

رویکرد تلفیقی یک انتخاب نیست، یک ضرورت است

مهرماه سال ۱۴۰۰ که کم‌کم سایه سنگین کرونا در حال رخت‌بستن از جوامع بشری بود و زمزمه بازگشایی حضوری مدرسه‌ها مطرح می‌شد، ویژه‌نامه‌ای منتشر کردیم با محوریت رویکرد تلفیقی به آموزش، و تلاش کردیم تبیین کنیم که چرا رویکرد تلفیقی باید به‌طور جدی مطرح نظر برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران حوزه آموزش و پرورش باشد. کوشیدیم زوایای موضوع را به‌قدر توان و البته ظرفیت مجله بکاویم. امروز با گذشت قریب به ۱۸ ماه از آن شماره و بازگشایی کامل مدرسه‌ها شاهد آن هستیم که به آن توصیه‌ها و تبیین آن ضرورت توجه درخور نشده و در نظام

آموزشی ما کماکان بر همان پاشنه سابق می‌چرخد! لذا بر آن شدم به‌عنوان سردبیر این مجله و به‌اصطلاح متخصص حوزه تکنولوژی آموزشی و عضو هیئت علمی دانشگاه، دوباره فهم خود را با استدلال‌های بیشتری درباره ضرورت رفتن به سمت رویکرد تلفیقی در آموزش و پرورش و با زبانی دیگر بیان کنم! من معتقدم، بنا به دلایلی که می‌آورم، گذر از روش‌های سنتی و رفتن به سمت رویکرد تلفیقی نه یک انتخاب، بلکه یک ضرورت مهم است که کم‌یا بی‌توجهی به آن آثار زیان‌بار و نامطلوبی را متوجه نظام آموزشی کشور عزیزمان خواهد کرد:

۱. تحولات رویکردهای کلان آموزش: جهت‌گیری‌های کلان نظام‌های آموزشی موفق دنیا از محوریت مطلق معلم و محتوا و سازمان‌ها و ساختارهای رسمی عبور کرده و به سمت محوریت‌دادن بیشتر به یادگیرنده و فرایندهای کمتر رسمی رفته‌اند. البته مطابق اسناد بالادستی نظام آموزشی ما، توصیه به آنچه دیگران کرده‌اند، ممکن و الزام‌مفید نیست. اما در همین اسناد هم راه‌های خوبی برای گذر از نگاه سنتی به رویکردهای جدید دیده شده‌اند که از آن‌ها باید کمال استفاده را کرد.

۲. تحولات فناوریانه دنیای آموزش: از تحولاتی همچون نقش عمیق فناوری‌ها در سبک زندگی نسل جدید، ورود فناوری‌ها، ابزارک‌ها (گجت‌ها) و افزوده‌ها (دیواس‌ها) به فرایند تعلیم و تعلم، کارآمدی و اثربخشی قابل توجه روش‌ها و الگوهای یاددهی یادگیری به کمک فناوری‌ها و امثال آن‌ها نمی‌توان چشم پوشید و بی‌تفاوت از کنارشان گذشت!

۳. تأثیرات عمیق تجربه دوران کرونا: چه بخواهیم چه نه و چه بپذیریم یا خیر، یکی از عوارض جدی آموزش‌های مجازی در دوران کرونا، وابستگی شدید (چه بجا چه نابجا!) یادگیرندگان به فراگیری از مسیر فناوری‌ها بوده و در کنار تمام آسیب‌ها، مزایایی هم مطرح بوده‌اند که نسل جدید یادگیرندگان نمی‌خواهند آن‌ها را به کناری بنهند و حتی اگر بخواهند هم یارای آن را ندارند!

۴. ویژگی‌های نسلی یادگیرندگان جدید: از جمله این ویژگی‌ها رضایت‌ندادن به مسیرهای خطی و تک‌رسانه‌ای در فرایند یادگیری، تنوع‌طلبی در ابزارهای یادگیری، و ناراضی‌تایی از مسیرهای آموزش سنتی تک‌ساختی است. عمده این‌ها فرصت‌های بی‌بدیلی را برای رشد و ترقی نظام آموزش و پرورش ما ایجاد کرده‌اند.

۵. فایده‌های انکارناپذیر رویکرد تلفیقی: رویکرد تلفیقی فایده‌هایی دارد، از جمله: تنوع‌بخشی به فرایند یاددهی یادگیری، انگیزه‌بخشی بیشتر به یادگیرندگان، محوریت‌دادن به توانایی‌ها و علاقه‌های یادگیرندگان، و کارآمدی بیشتر در حصول نتایج یادگیری. آیا می‌توان این فایده‌ها را نادیده انگاشت؟!





حال فرض را بر این بگذاریم که استدلال‌های قبل قبول افتند و سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان بپذیرند که باید به سمت رویکرد تلفیقی رفت. سؤال این است که برای تحقق این مهم چه باید کرد؟ به نظر نگارنده می‌توان پیشنهادهایی عملیاتی ارائه داد:

۱. به رسمیت شناختن رویکرد تلفیقی در سیاست‌گذاری‌های کلان آموزش و پرورش؛
۲. توسعه فلسفه رویکرد تلفیقی در برنامه‌های درسی و روش‌های آموزشی (توسط سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی و پژوهشگاه تعلیم و تربیت)؛
۳. تربیت معلمان آشنا و مسلط به رویکرد تلفیقی (از شروع مسیر تربیت معلم در دانشگاه فرهنگیان و در دوره‌های ضمن خدمت برای عزیزانی که مشغول معلمی هستند)؛
۴. تجهیز مدرسه‌ها به فناوری‌های مورد نیاز برای تحقق رویکرد تلفیقی؛
۵. اهمیت قائل شدن برای برنامه‌های درسی و درس‌هایی که در تحقق رویکردهای فناورانه در مدرسه نقش مستقیم دارند (مثل کار و فناوری، و تفکر و سواد رسانه‌ای)؛
۶. تطبیق روش‌های آموزش و یاددهی با ویژگی‌های نسلی یادگیرندگان جدید (تنوع، تکثرو چندروشی، نقش آفرینی جدی یادگیرندگان در فرایندها و...)
۷. ایجاد تغییرات جدی در محتوای برنامه‌های درسی، متناسب با رویکرد تلفیقی (بازآرایی کتاب‌ها و محتوای درسی با رویکرد تلفیقی)؛
۸. بازتعریف الگوها و روش‌های ارزشیابی و سنجش متناسب با مختصات رویکرد تلفیقی؛
۹. به رسمیت شناختن رسانه‌ها و محتوای چندگانه مبتنی بر ابزارهای سیار، به عنوان مسیرهای جدی آموزشی.

امید است با توجه عمیق دست‌اندرکاران و متخصصان و معلمان به این نکات، زمینه‌های مناسب برای گفت‌وگوهای تخصصی و علمی در این باره بیش از گذشته فراهم شود تا بتوان به تعالی نظام آموزش و پرورش کشور عزیزمان کمک کرد.



پی‌نوشت

۱. قصدم از به‌کاربردن عبارت روش‌های سنتی، تخته و ناکارآمد جلوه‌دادن تمام رویکردها و روش‌های سنتی و قدیمی نیست، بلکه این عبارت مآلوف نزد متخصصان است که به‌تسامح درباره روش‌های کمتر کارآمد استفاده می‌شود.